روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۲ • ۱۷ رمضان ۱۴۴۴ • ۸ آوریل ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۲۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۸:۵۰
اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۴۰

روزنامه شرق

• بلندترین سفره افطاری ساده تهران به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی (ع) در خیابان قصردشت.
عکس: فاطمه عموزاد، فارس

دیالوگ روز

شب یلدا- کیومرث پوراحمد - ۱۳۸۰

حامد(محمدرضا فروتن) چیه برادر؟! جشن تولده. ممنوعه؟ زن بی‌حجاب نداریم. زن با حجابم نداریم. مرد بی‌غیرت نداریم. مرد با غیرتم نداریـــم. نوار مبتذل نداریم. ماهواره نداریم. صور قبیحه نداریم. حشـــیش، گرس، تریاک، زغال خوب و رفیـــق ناباب نداریم. رقص، آواز، خوشی، خنده، بشکن و بالابنداز نداریم. شرمنده‌تونم هیچ‌چیز ممنوعه کلا نداریم. نداریم. مهمونیه ولی مهمون هم نداریم... جشن تولد یه بچه‌س ولی بچه هم نداریم.

یـاد

برای کیومرث پوراحمد که از زمین رفت

امید مافی: سگرمه‌های درهم‌رفته‌اش لبخند را از لبان دریا پاک کرده بود. خسته بود. آن‌قدر خسته که در جایی گفته بود: این روزها حوصله مردن را هم ندارد.

اما مُـرد. کارگـردان نجیب کـه سـال‌ها در جلد کودک درونگرای پرده نقره‌ای فرو رفته بود، پیش از آنکه اردیبهشت از راه برسـد و نیلوفران آبی مرداب بندر را زیبا کنند، نقطه‌ای بر آخرین سطر سـجل خود گذاشت و تمام. خالق قصه‌های مجید که با مجید و بی‌بی نسلی را عاشق جعبه رنگی کرد، در سراشیب این روزهای کبود غریبه با لبخند دوام نیاورد و مرگ را به سـخره گرفت تا ماه از جسم خسته‌اش عبور کند و باران شمال غم‌هایش را شست‌وشو دهد.

از خواهران غریب که روزگاری تمام گیشـه‌ها را تسـخیر کرد تا شـب یلـدا و اتوبوس شـب راه زیادی بود... و شـاید بـرای همین آقـای بلندبالای سـینمای ایران کنـار درختان نارنـج خورشـید را بـه یقـه پیراهنش سـنجاق کـرد و در اوج نسـیان به یادمـان آورد کـه در این روزگار دل‌آشـوب، قلب آدمی دسـت به دسـت می‌گردد و در جایـی از تپیدن باز می‌ایستد.

حالا در غیاب مردی که می‌خواست به یادمان بیاورد پرنده مردنی اسـت، باید سـراغ آثارش را بگیریم و در اندیشه‌های کارگردانی که همیشـه در لنگرگاه بیم و بلا از دنیای روشـن کودکان حرف می‌زد و دریچه‌ای رو به کوچه‌های خاکی دیروز می‌گشود، غرقه شویم.

خداحافظ آقـای کیومـرث پوراحمد عزیز. مـا را و همه نامسـئولان و ناهمراهانـت را ببخـش که در آتـش تورم و تردیـد، تولدت را از یاد بردیم و پیش از آنکه شـمع‌های تولد ۷۳سـالگی‌ات را فوت کنیم، غوطه‌ور در بوی حلوای سوخته خبر بال‌گشـایی‌ات را کنار تمام خبرهای جنون‌آمیز و مأیوس ایـن روزهای بویناک نشـاندیم، بی‌آنکه نگران چین پیشـانی مردی که بی‌واسطه ما را به گذشته‌های ساده پرتاب می‌کرد، باشـیم و از خود بپرسیم آنجا در کنار فانوس‌های دریایی حق با تقدیـر محتوم بود یا بـا خُلق تنگ کارگردانـی که عمری در کنـار مردم ایسـتاد و ماه‌ها بود در کنج عزلت و عسـرت، بهاریه‌های دلربایش را به روزنامه‌ها نمی‌فرسـتاد. خداحافظ فرزند خوب نصف جهان.

دعـا می‌کنیم در جـوار بابونه‌ها چشـمانت را باز کنی و آسمان میان دست‌هایت چنان موج بردارد که خبرش به این سـیاره مغبون برسد و هوا پر از شمیم فروردین شود. ما اینجا به رقص پیراهنت روی بند خانه ویلایی‌ات چشم می‌دوزیم و منتظر بهار دیگری می‌مانیم تا با یک بغل شـمعدانی و شبنم برگردی!

توضیح

تاکسی والدین

مهدی حجوانی

روز چهارشـنبه یادداشـتی در همین صفحه نوشتم و به مدرسـه‌ای در آلمان اشاره کردم که در کنارش تابلویی نصب شـده بود که می‌گفت: «اجازه بدهید بچه‌ها پیاده به مدرسه بیایند. بچه‌ها به خودآگاهی و تحرک نیاز دارند، نه به تاکسیِ والدین!» بعد به خودمـان نهیب زدم که ما هم باید در ایرانِ بچه‌ها را مسـتقل بـار بیاوریم؛ اما برای اینکـه یک‌طرفه به قاضی نرفته باشـیم، باید پاسخ احتمالی والدین ایرانی را هم بشـنویم. آنها احتمالا خواهند گفـت اول باید در خیابان‌ها و مدارس ایران امنیـت لازم بدون چالش‌های این روزها برقرار باشـد تا ما بچه‌ها را پیاده به مدرسـه روانه کنیم. آیا با توجه بـه حوادثی مانند مسـمومیت بچه‌ها در مـدارس، آرامش ذهنی برای والدین برقرار اسـت؟ مدارس قاعدتا محیط‌هایی تعریف‌شـده و حفاظت‌شده هسـتند و چارچوب و مقررات و حساب و کتاب دارند.

حال اگـر آرامش ذهنی برقرار نباشـد، چگونه می‌توان از شـرایط حضور آنها در خیابان‌ها کـه محل رفت‌وآمد آزادانه همه‌جور آدمی است، یقین حاصل کرد؟

نگاهی به پدیده تلخ خودکشی و ضرورت پیگیری سند ملی پیشگیری از آن

زنگ هشدار

چهـار روز از مـرگ خودخواسـته «کیومرث پوراحمـد» کارگردان نامی ایران می‌گـذرد؛ واقعه‌ای که به گفته «مرضیه برومند» کمر او و خانه سینما را شکسته و از نظر محمدمهدی عسگرپور «در ایـن سـه روز سـینمای ایران تلخ‌ترین و عجیب‌ترین اتفاق خود را پشت‌سرگذاشت».

سامانه ۱۲۳

در این میان یک بار دیگر مبحث چگونگی گفتن از «خودکشی» و «مرگ خودخواسته» مطرح شد و در پایین هر خبری درباره «کیومرث پوراحمد» این نکته یادآور می‌شود که «اگر کسی تمایلات خودکشی در خود احساس می‌کند یا شرایط سخت روحی را پشت‌سر می‌گذارد، با شـماره ۱۲۳ تماس بگیرد». سامانه‌ای که به‌صورت شبانه‌روزی و رایگان قرار است دسترسی به مشاور بحران فراهم می‌کند.

تمایل به خودکشی ۷ میلیون نفر در ۶ ماه

آن‌طورکه سازمان بهزیستی اعلام کرده است، عملکرد آماری در شش‌ماه نخست سـال ۱۴۰۱ حاکی از آن است که هزارو ۵۱۱ محله از محلات مجری برنامه بوده‌انـد. ۶۸ هزار و ۶۹۷ نفر آموزش‌دیده جامعه هدف تحت پوشش سـازمان بهزیستی هستند و تعداد کل خدمت‌گیرندگان برنامه اعم از خدمات آموزش مستقیم، غیرمستقیم و آگاه‌سـازی شـامل هفت میلیون و ۲۷۴ هزار و ۲۸ نفر می‌شـود. این رقـم باورنکردنی هفت‌میلیـون نفر احتمالا از نظر مسـئولان چندان قابل‌توجه نیسـت که آن را با افتخـار اعلام می‌کنند؛ یعنی در شش‌ماهه نخست پارسـال از هر ۱۰ ایرانی یک نفر دچار شرایط بحرانی شده است.

کاش بیشتر حرمت بگذاریم

نحوه انتشـار خبر خودکشـی یا مرگ خودخواسـته «کیومرث پوراحمد» فرصتی شده تا برخی نهادها به مسائلی که زمینه‌ساز این شرایط شده، توجه کنند. گروه سینمایی فرهنگستان هنر در بیانیه‌ای نوشت: «کیومرث پوراحمد دیگر در میان ما نیست. خالق لحظات به یادماندنی، کسی که جایگاه و حرمت کلمه را پاس می‌داشت و تفسیر و ترجمان کلمه به تصویر را نیک می‌دانست. ما مانده‌ایم و یک دنیا افسوس و البته که طنین یک هشدار؛ هشداری که گویی با این فقدان، این‌بار رسـاتر از همیشه به گوش جان می‌رسد: ما را چه شده است که هنرمندان‌مان این‌طور و با بهای جان خود، پیام ناخرسندی خود را به گوش ما می‌رسـانند؟ در کجای زمان ایستاده‌ایم و تا چه اندازه مراقب و متوجه دشواری‌ها، تیرگی‌ها و تصویری که از آینده برایمان ترسیم شده است، هسـتیم؟ چقدر با خودمان و عزیزانمان مهربان هستیم و به آنها مهر می‌ورزیم؟ کاش بیشتر حرمت بگذاریم و قدر و منزلت گنجینه‌های هنر و فرهنگ‌مان را پاس بداریم؛ چراکه نومیدی و گسترش آن، هیولایی دهشـتناک است که اگر بر جامعه مستولی شود، به هر دلیل و واسطه‌ای باشد، دل‌های بسیاری را خواهد فسرد و جان‌های عزیزی را از ما خواهد گرفت».

بازتاب‌های یک مرگ خودخواسته

برخی به رسـانه‌ها بابت اعلام خودکشـی «کیومرث پوراحمد» ایـراد گرفتند و حتی معاون مطبوعاتی هم پسـتی در اینسـتاگرام در این زمینه منتشـر کرد. عده‌ای نیز با بازنشـر عکسـی از جسد از طناب آویخته‌شـده این کارگردان بزرگ سینمای ایران در شبکه‌های اجتماعی شـرایط ناهنجاری را پدید آوردند. در این میان بسیاری نیز به تشویق این اتفاق پرداختند و عمل او را شجاعانه توصیف کردند. این بازتاب‌ها سبب شد تا انجمن علمی روان‌پزشکان ایران بیانیه‌ای منتشـر کند. در این بیانیه دربـاره پیام‌ها و پیامدهـای اجتماعی و عمومی این ماجرا مواردی را شرح داده است:

۱-مـرگ پوراحمد در هنگامه‌ای رخ داد که رنجی عمومی دامن مردمان زیادی را گرفته و کسـانی را نیز شـاید گرفتار احساس یأس، بی‌آیندگی، درماندگی و میل به تباهی خود نموده باشد. ازاین‌رو باور داریم پرداخت رسانه‌ای و عمومی به این ماجرا از قضا باید دقیق‌تر و با مراعاتی بیش از زمان‌های دیگر صورت پذیرد.

۲. فقدان خالق قصه‌های مجید به‌عنوان یک انسـان متخصص با جایگاه حرفه‌ای و اثرگذاری در جامعه ایران دارای پیچیدگی‌های فلسفی، روان‌شـناختی، جامعه‌شـناختی و انسان‌شناختی خاصی اسـت که در بدون شـناخت و تبیین و تحلیل آثـار هنری و زندگی حرفه‌ای، فردی و خانوادگی او نمی‌توان به‌سادگی در مورد زمینه‌ها و دلایل این کُنش «پایان‌دادن به زندگی» دست به تحلیل زد.

۳. از قربانی خودکشـی نباید قهرمان ساخت. خودکشی را نباید دراماتیزه کرد. به اصحاب رسانه این را توصیه می‌کنیم که دوستان و خانواده در زمانه اوج رویارویی با مرگی این‌گونه، در شوک و ناباوری هسـتند و بهتر است از خبررسـانی بپرهیزند یا طرف گفت‌وگوهای رسانه‌ها قرار نگیرند. باید بازماندگان را کمک و حمایت روانی نمود و اجازه داد به سوگواری بپردازند.

۴. خودکشـی می‌تواند مورد تقلید قرار گیرد، همان‌طورکه میل به تقلید خودکشـی، در موارد مشابه قبلی در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شـود. درعین‌حال این ابراز آشـکار میل بـه پایان‌دادن به زندگی می‌تواند نمودی از یک وضعیـت اجتماعی و نیازمند توجه سیاست‌مداران باشد. از این رو مداخله در موضوع خودکشی نیازمند عزم همگانی و تقسـیم کار ملی اسـت. اکنون بهتریـن زمان برای «پیگیری» پیاده‌سازی سند ملی پیشگیری از خودکشی است.

۵. تورم مهارگسـیخته و افزایش روزافزون هزینه‌های زندگی از عوامل جدی افزایش یأس و افت سـطح سـلامت روانی اجتماعی اسـت که افزایش خودکشـی می‌تواند یکی از تظاهرات آن باشـد. چنان‌که اگر هواشناسـی گزارش احتمال طوفان بدهد، دستگاه‌های مسـئول در وضعیت آماده‌باش قرار می‌گیرند و تدابیر پیشـگیرانه اتخاذ می‌کنند، اکنون وظیفه نظام سلامت و شورای اجتماعی کشور است که چنین رویه‌ای را در این مورد در پیش بگیرند.

۶. ایـن نوع مرگ در بین طبقات اجتماعی مختلف جامعه وجود دارد. اظهار نگرانی از وقوع این نوع مرگ طی سـال‌های اخیر در بین هنرمندان، متخصصان، روشنفکران، پزشکان، و دانشجویان، یک زنگ هشدار برای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و متولیان امر تلقی می‌شود.

مصیبتی بزرگ و تلنگری برای همه

در این چند روز بسیاری درباره «کیومرث پوراحمد» و جایگاهش در سینمای ایران نوشـتند و تعداد زیادی نیز درباره شرایط سخت و تلخی که در این چند ماه بر او گذشته است، از فیلمی که بدون اجازه او در جشنواره نشان داده شد و از ممنوع‌الخروجی او. همان‌طورکه در مراسم تشییع او از سوی نماینده کانون کارگردانان ابراز امیدواری شد: «نهادهای فرهنگی رفتار خود با هنرمندان را تغییر بدهند و رفتار محترمانه‌ای داشته باشند» عنوان شده است نامه هشت‌صفحه‌ای پوراحمد که در کنار جسـدش پیدا شـده و دلالت بر خودکشـی او دارد «خصوصی و خانوادگی» اسـت و خانـواده اگر صلاح بدانند، منتشـر می‌کنند اما نمی‌توانیم از یاد ببریم که کیومرث پوراحمد یک «کارگردان معترض» بود و به‌راستی که مرگش «تلنگری برای همه ما به حساب می‌آید».

تحلیل‌خوانی

رفتار تحقیرآمیز ایتالیا با مهاجران خارجی

محمود فاضلی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

دادگاه حقـوق بشـر اروپـا (ECHR) ایتالیا را بـه علت «رفتار تحقیرآمیـز» بـا چهار مهاجـر در جزیـره لامپدوزای این کشـور، «بازداشت بدون مبنای قانونی مشخص» و «اخراج دسته‌جمعی» مهاجران، محکوم کرد. این دادگاه در پی شکایت چهار تونسی که در سـال ۲۰۱۷ سعی در عبور از دریای مدیترانه داشتند و با یک کشتی ایتالیایی نجات یافتند و سپس به لامپدوزا منتقل شدند، تشکیل شد.

رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز

مهاجـران اعـلام می‌کنند پیـش از آنکه با هواپیمـا به تونس بازگردند، در جزیره لامپدوزا، مورد رفتار «غیرانسـانی و تحقیرآمیز» قرار گرفته‌اند. دولت ایتالیا نه‌تنها اتهامات مربوط به شرایط زندگی و رفتاری را که به مهاجران در لامپدوزا وارد شـده، رد نکرده است؛ بله، این اتهامات از طریق منابع مسـتقل ملی و بین‌المللی نیز تأیید شـده است. این بازداشت آنها «بدون مبنای قانونی مشخص» بوده که مانع از اعتراض آنها به بازداشت خود در دادگاه می‌شود. قضات اروپایـی همچنیـن ممنوعیت اخراج دسـته‌جمعی اتباع خارجی را یادآوری و خاطرنشـان می‌کنند که در این مـورد، موقعیت‌های خاص افراد مربوط، به طور جداگانه بررسـی نشـده است. دادگاه تأکید می‌کند برای دو نفر از چهار مهاجر، احکام اخراج اتخاذشـده کلیشـه‌ای بوده و حاوی هیچ اطلاعات فردی نبوده است. ایتالیا به پرداخت جریمه نقدی به هریک از شاکیان محکوم شد.

دادگاه حقوق بشـر اروپا بازوی قضائی شـورای اروپا محسوب می‌شود. مقر این دادگاه در شهر استراسبورگ (فرانسه) است و ۴۶ کشـور امضاکننده کنوانسیون اروپایی برای حمایت از حقوق بشر را گرد هم می‌آورد. کمیته ضد شکنجه، یکی دیگر از نهادهای شورای اروپا در گزارش جدید خود از کشورها خواست به اخراج در مرزهای زمینی یا دریایی، به‌ویژه در مرزهای خارجی اتحادیه اروپا پایان دهند و اخراج‌ها را «غیرقانونی» می‌داند.

مخالفت ایتالیا با امدادرسانی نهادهای خصوصی

جزیـره لامپدوزای ایتالیا یکی از مراکزی اسـت کـه معمولا از سـوی مهاجران خارجی برای ورود به این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. لامپدوزا بین سیسیل و شمال آفریقا واقع شده و تقریبا ۱۹۰ کیلومتر با شـهر سـاحلی تونس فاصله دارد. بسیاری از مهاجران تلاش می‌کنند با قایق از تونس و لیبی از طریق مدیترانه به لامپدوزا، مالت، سیسیل یا سرزمین اصلی ایتالیا برسند که آخرین نمونه ورود مهاجران به این جزیره حادثه‌ای است که ۲۹ پناه‌جو در راه رسیدن به ایتالیا در دریای مدیترانه غرق شدند.

ایتالیا به‌تازگی کشـتی نجات «لوئیز میشـل» را کـه به قوانین جدید کشتی‌های نجات پایبند نبود، توقیف کرد. فعالان این سازمان غیردولتی که از سوی بنکسی، هنرمند معروف، تأمین مالی می‌شود، مدعی هسـتند دولت ایتالیا مانع خروج کشـتی از بندر لامپدوزا در سیسیل و عملیات امدادرسـانی در دریا می‌شوند. درحالی‌که ده‌ها قایق در برابر جزیره سیسـیل با مشـکل مواجه هستند، به ما اجازه نمی‌دهند که به آنها کمک کنیم. این غیر قابل قبول است».

گارد ساحلی ایتالیا تأکید دارد «کشتی لوئی میشل پس از انجام اولین عملیات امدادرسـانی در آب‌های سـرزمینی لیبی، به دستور گارد سـاحلی برای حرکت به سوی بندر تراپانی توجه نکرد و برای نجات سه قایق دیگر اقدام کرد که قرار بود گارد ساحلی ایتالیا برای امدادرسانی آنها اقدام کند. این کشتی با ۱۷۸ سرنشین چهار قایقی که به امداد آنها رفته بود، در بندر لامپدوزا پهلو گرفت. بی‌توجهی این کشتی به هشدارهای گارد ساحلی و مداخله آن در برنامه‌ریزی و اقدامات مقامات ایتالیایی برای نجات سرنشینان منجر به توقیف کشتی لوئی میشل از طرف مقامات دریایی در لامپدوزا شده است.

قوانین جدید کشتی‌های امدادرسانی غیرنظامی

براسـاس قوانین جدیـد ایتالیا، از اول ژانویه کشـتی‌های امداد غیرنظامـی که مهاجـران در دریا را نجات می‌دهنـد، باید فورا به بندری که مقامات مربوطه به آنها اختصاص داده‌اند، حرکت کنند. براساس‌این پس از اولین عملیات نجات، حتی اگر در طول مسیر با افراد نیازمند کمک دیگری مواجه شوند، اجازه انجام عملیات نجات دیگر را ندارند. وزیر کشور ایتالیا مدعی است که فرمان جدید مطابق با قوانین بین‌المللی دریایی است.

در اواخـر مـاه فوریه کشـتی نجـات Geo Barents سـازمان امدادرسـان خصوصی پزشـکان بـدون مرز نیز از طـرف مقامات ایتالیایی توقیف شـد. در آن زمان دسـتگیری حـدود ۲۰ روز اعتبار داشت و ۱۰ هزار یورو نیز برای آن جریمه اختصاص یافت. ایتالیا این سـازمان کمکی را به تخلف از قانون جدید و ارائه‌ندادن اطلاعات درخواسـتی متهم کرد. دولت ایتالیا بـا همین قانون اقدامات خود را علیـه امدادگران خصوصی دریایی تشـدید کـرد. بعد از صدور قوانین جدیدی از سوی دولت ایتالیا، کشتی‌های نجات سازمان‌های امدادی مجبور به هدف قراردادن بنادر شمال ایتالیا می‌شوند.

ایتالیا و کمک‌های اروپایی

دولت ایتالیا به‌تازگی قوانینی را به تصویب رسانده است که قصد دارد به طور درخورتوجهی استقرار امدادگران دریایی غیرنظامی در دریای مدیترانه را محدود کند. امدادگران بین‌المللی با خشم به این ابتکار دولت راست نخست‌وزیر جورجیا ملونی واکنش نشان دادند. طبق این قوانین کشتی‌های سازمان‌های امدادی باید پس از نجات اولیه، بدون اینکه بتوانند به سایر قایق‌های حادثه‌دیده کمک کنند، بلافاصله عازم بندر تعیین‌شده شوند.

دولـت راسـت‌گرای ایتالیـا انتقاد از شـیوه جدیـد برخورد با کشـتی‌های نجات را رد می‌کند. متئو سالوینی، معاون نخست‌وزیر، در انتقاد به روند کنونی مدعی است این ایتالیاست که مورد حمله است، نه سازمان‌های غیردولتی. اگر از طرف گارد ساحلی و نیروی دریایـی اظهاراتی مبنی بر اخلال در امـور محوله وجود دارند، باید مورد توجه قرار گیرند؛ اما مسـئله قاچاقچیان و دلالان هستند. اگر سازمان‌های مردم‌نهاد در کار ملوانان نیروی دریایی یا گارد ساحلی اخلال ایجاد کنند، قطعا مشکل ایجاد می‌شود. نمی‌توان مهاجرت را از طریق نهادهای خصوصی که از سوی کشورهای خارجی تأمین مالی می‌شـوند، تنظیم کرد. سـازمان‌های غیردولتی مانع از انجام کار آنها می‌شوند. سـازمان‌های غیردولتی اگر کار نهادهای رسمی کشور را پیچیده کنند، مشکل‌ساز می‌شوند. سازمان‌های خصوصی که از سوی کشـورهای خارجی تأمین مالی می‌شـوند، نمی‌توانند مدیریـت امور مهاجرت را در کشـور ما در دسـت بگیرنـد. درباره عزیمت پناه‌جویان به سوی کشور ما که از سوی تشکیلات تبهکارانه سازمان‌دهی می‌شود، این ایتالیا است که مورد حمله قرار گرفته، نه سازمان‌های غیردولتی خارجی. اگر اتحادیه اروپا یک اتحادیه است، باید به ما کمک کند. ایتالیا نمی‌تواند در مقابله با این مشـکل تنها بماند. اروپا باید در موضوع مهاجرت غیرقانونی بیدار شود. بروکسل در حفاظت از مرزها و امنیت ایتالیا، با میلیاردها دلاری که ایتالیا هر سال به اروپا می‌دهد، باید به ما کمک کند».